[211] آنگاه پاداش پيامبر - كه درود تو بر أو وخاندانش باد - را مودت به آنان مقرر ساخته، ودر كتابت فرمودى: " بگو أي پيامبر كه بر رسالت خود پاداشى جز مودت در حق نزديكانم از شما نمى خواهم "، وفرمودى: " آنچه بعنوان مزد رسالت از شما خواستم بسود خود شماست "، وفرمودى: " من از شما مزدى نمى خواهم مگر اينكه كسى بخواهد بسوى پروردگارش راهى در پيش گيرد "، پس آنان [خاندان پيامبر] راه بسوى تو ووسيله رسيدن به خشنودى تو بودند. چون [روزگار رسالت پيامبر و] دوران عمرش سپرى گشت ولى خودش على بن ابى طالب - كه درود تو بر ايشان وخاندانشان باد - را براى هدايتگرى قرارداد، چرا كه أو هشدار دهنده بود وبراى هرقوم هدايتگرى مى باشد، پس در حاليكه انبوه جمعيت در پيشاپيش أو بودند چنين گفت: هر كسى را من مولى هستم على مولاى اوست، بارالها دوست بدار هركه از أو پيروى كند، ودشمن دار هركه را با أو به ستيز برخيزد، وپيروزمند گردان هر كه ياريش كند، وخوارنما هر كه خوارش نمايد. وفرمود: هر كسى كه من پيامبر أو هستم على امير أو مى باشد، و فرمود: من وعلى از يك درخت هستيم وسائر مردم از درختهاى گوناگون. واو را نسبت به خود همانند منزلت هارون به موسى قرارداده و فرمود: تو نسبت بمن در منزلت ورتبه هارون نسبت به موسى هستى مگر اينكه پيامبرى پس از من نيست، ودخترش بزرگ زنان جهانيان را به أو تزويج كرد، وآنچه از مسجدش برايش حلال بود را براى أو حلال كرد، و تمام دربها [كه بمسجد بازمى شد] را جز درب [منزل] أو را بست، آنگاه علم وحكمتش را در أو بوديعت سپرد وفرمود: من شهر علم هستم وعلى درب آنست، هر كه حكمت مى خواهد بايد كه از آن درب داخل شود، و باو فرمود: _____